



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2024.85539.1285>



پژوهشی

پیامدهای امنیتی جنگ دوم قره‌باغ بر مناطق مرزی شمال غرب ایران

یحیی میرشکاران (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

yahyamirshekaran@yahoo.com

جواد کیانی (استادیار روابط بین الملل دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران)

اصغر رزقی (دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران)

چکیده

چالش‌های امنیتی در مناطق مرزی منشأ درون یا برون مرزی داشته و در قالب‌های نظامی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرد. تحولات در دو سوی مرز بویژه مناطق با عقبه‌های قومی-فرهنگی مشترک می‌تواند تبعات امنیتی-سیاسی را هر چه سریع‌تر گسترش دهد. با در نظر گرفتن تحولات اخیر، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ بر امنیت مرزهای شمال غرب کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در پژوهش حاضر از روش کیفی با رویکرد اکتشافی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده که روایی آن به صورت صوری و محتوایی و پایایی آن با بهره‌گیری از فرآیند اجماع کدگذاران مورد تأیید قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل فرماندهان و کارشناسان آشنا به موضوع پژوهش است که به تعداد ۲۸ نفر با اشباع نظری مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون سه سطحی (مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر) انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش از طریق تحلیل کیفی و بررسی کدهای مضامین پایه‌ای و سازمان دهنده، شامل ۵ دسته مضمون فراگیر سیاسی-امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و انتظامی و مضامین سازمان دهنده شامل ۱۲ مقوله: ایجاد ناامنی، اختلافات قومی-مذهبی، خرابکاری، نفوذ، فشار اقتصادی، تغییر مرز و ژئوپلیتیک، اختلال در حمل و نقل و تجزیه طلبی و ۲۱۸ مضمون پایه‌ای شدند. نتایج حاصل از تحقیق فوق بیانگر این است که از طریق بررسی کدهای مضامین پایه‌ای، سازمان دهنده و در نهایت فراگیر می‌توان چنین نتیجه گرفت که پیامدهای امنیتی جنگ دوم قره‌باغ تمامی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی مرزهای شمال غرب را در بر می‌گیرد که می‌توانند امنیت ملی کشور را تحت تأثیر قرار داده و به تبع آن تمامی نقاط کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

واژگان کلیدی: پیامدهای امنیتی، جنگ، قره‌باغ، مرزهای شمال غرب، ایران

مقدمه

پایه و اساس تاریخ بشری را منازعات سیاسی و اجتماعی تشکیل داده است. دوران صلح و سکوت تفنگ‌ها همواره موقتی بوده و صلح دائمی به آرزوی دست نیافتنی برای بشر بدل شده است و پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری و

تکنولوژی‌ها نیز نتوانسته راه به جای برد؛ بلکه تنها در ماهیت و شدت منازعات تغییرات ایجاد کرده و بر میزان ویرانگری جنگ افزوده است. تکنولوژی‌های نظامی و تسلیحات پیشرفته هسته‌ای ساختار نظام بین‌الملل و شرایط محیطی دولت‌ها را دگرگون کرده به طوری که حتی دولت‌هایی با قدرت کوچک نیز دارای تسلیحات نظامی با قدرت تخریب بالا هستند و از سوی دیگر با پیچیده شدن عرصه روابط بین‌الملل و وابستگی بیش از پیش واحدهای جغرافیایی در سراسر دنیا به یکدیگر بروز بحران در هر منطقه لاجرم تاثیر خود را بر دیگر مناطق و کشورها خواهد گذاشت (Adam & Keshavarz, 2019:5). به دلیل گسترش فرایند جهانی شدن و افزایش وابستگی متقابل بین دولت‌ها، سرایت و گسترش جنگ‌ها و درگیری‌ها سرعت گرفته و موجب شده است که بسیاری از موضوعات داخلی و منطقه‌ای، ابعاد جهانی به خود بگیرند؛ به همین سبب، بی‌ثباتی سیاسی و درگیری‌های قومی در کشورهای مختلف به دلایل مختلفی تجاوز مستقیم به منافع دیگر اعضا ارزیابی می‌شود.

فروپاشی «اتحاد جماهیر شوروی» در سال ۱۹۹۱ میلادی نه تنها باعث از بین رفتن نظام دوقطبی شد، بلکه زمینه را برای استقلال و ظهور تعداد قابل توجهی از دولت‌های نوین در منطقه‌ی «آسیای مرکزی» و «قفقاز» پدید آورد که به دلایل گوناگونی نظیر: تمایزهای فراوان قومی، فقدان مشروعیت و نامشخص بودن مرزها، و مانند آن، به محلی برای ظهور و بروز مناقشات و بحران‌های مختلف تبدیل شد. «قره‌باغ» از جمله زیرمجموعه‌های امنیتی منطقه‌ی قفقاز جنوبی است که منطقه‌ی کوهستانی آن از دیرباز محل مناقشه میان دو دولت «جمهوری آذربایجان» و «جمهوری ارمنستان» بوده است. مناقشاتی که از ابتدا حالت خشونت‌آمیز به خود گرفته که حاصل آن دو جنگ تمام عیار بوده است. علاوه بر این، ماهیت بازیگران موجود در این مناقشه نشان از آن دارد که این مناقشه محدود به ارمنی‌ها و آذربایجانی‌های محلی نبوده و هر روز، ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی آن گسترش یافته است. تحولات این منطقه به دلایل گوناگون همچون مجاورت جغرافیایی آن با مرزهای شمال غرب ایران، میراث تاریخی مشترک، وجود قومیت‌ها و نژادهای یکسان، تلاش کشورهای قدرتمند برای کسب نفوذ در این منطقه، و نظایر آن سبب شده است تا ملاحظات امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب از اهمیت بیشتری برخوردار، نقشی عمیق، تعیین‌کننده و راهبردی یابد (Rajabi, 2021:45).

مناقشه مزمن و حل‌نشده قره‌باغ یک منشأ ناامنی و نگرانی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. چون تجارب سه دهه بحران در قره‌باغ گویای آن است که این بحران ژئوپلیتیکی به عنوان کانال مناسبی برای حضور سیاسی - امنیتی آمریکا و اسرائیل در معادلات منطقه بوده است. در همین زمینه مهمترین نگرانی امنیتی ایران از سوی این بحران اتحادی است که در حوزه قفقاز جنوبی با مشارکت آمریکا، اسرائیل، ترکیه و آذربایجان شکل گرفته است و این وضعیتی است که امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند (Mehtiyev, 2004:11-12). ایران از همان آغاز بحران قره‌باغ با صراحت و به عنوان یک اصل، تمامیت ارضی آذربایجان را به رسمیت شناخت و علیرغم سیاست‌هایی که در راستای منافع ملی خود اتخاذ کرد، تلاش نمود تا همراه با تأکید بر اصل فوق، سیاست موازنه را در پیش بگیرد و از طریق وساطت در مناقشه علاوه بر کنترل مناقشه بتواند آثار سوئی که بحران قره‌باغ می‌تواند بر امنیت ملی ایران داشته باشد، جلوگیری کند؛ زیرا

خطر سرایت ناامنی و بی‌ثباتی به نواحی مرزی وجود داشت. افزون بر این ادامه درگیری و جنگ، زمینه مداخله نظامی روسیه، آمریکا و ناتو را فراهم می‌کرد که به نوعی امنیت ملی ایران را به مخاطره می‌انداخت.

درگیری و جنگ در قره‌باغ در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ میلادی برای بار دوم اوج گرفت که در این درگیری جمهوری آذربایجان با استفاده از بکارگیری تجهیزات نوین جنگی مثل پهپاد و همچنین حضور نیروهای نیابتی و تکفیری سوری که از طرف کشور ترکیه به این منطقه اعزام شده بودند، توانست مناطق اشغال شده خود را آزاد کند. حضور پررنگ کشور ترکیه و اسرائیل در این بحران و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در نزدیک مرزهای جمهوری اسلامی ایران در کنار حضور نیروهای تکفیری سوری در این بحران نکته‌ای است که می‌تواند امنیت ملی ایران و به مثابه آن امنیت مرزهای شمالغرب جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار دهد. اگر در کنار تهدیدات مذکور ادعاهای اخیر دو کشور جمهوری آذربایجان و ترکیه را مبنی بر تغییر ژئوپولیتیک مرزهای کشور ارمنستان (ایجاد کریدوری در منطقه زنگه‌زور یا استان سیونیک ارمنستان که این کشور را به جمهوری نخجوان وصل کند) که موجب انجام رزمایش فاتحان خیبر در مرزهای محدوده مورد مطالعه گردید، را مورد تبیین قرار دهیم، دارای پیامدهایی برای امنیت مرزهای ایران در شمالغرب کشور خواهد بود که این موضوع نیاز اساسی به توجه و دقت مسئولین و مقامات کشور دارد. با در نظر گرفتن این موضوع، در این پژوهش برآنیم که با نگاهی به منطقه‌ی قره‌باغ، تأملی بر درگیری‌های بین جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان پیرامون جنگ دو کشور در منطقه‌ی مذکور داشته سپس به شناسایی پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ بر امنیت مرزهای شمالغرب کشور پردازیم. بنابراین، سؤال اصلی را که در این پژوهش درصدد پاسخ به آن می‌باشیم، عبارت است از اینکه «پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ بر امنیت مناطق مرزی شمالغرب جمهوری اسلامی ایران کدامند؟».

پیشینه پژوهش

نجفی و ابراهیمی (۱۴۰۱) در مقاله «پیامدهای توافق آتش بس بحران قره باغ و امنیت جمهوری اسلامی ایران» به تغییر موازنه قدرت در قفقاز جنوبی و نقش آفرینی بیشتر روسیه و رژیم اشغالگر قدس و افزایش مسابقه تسلیحاتی در این منطقه پرداخته اند و اثرات آن بر مرزهای ایران را مورد بررسی قرار داده و پیشنهاد داده اند که مدیریت مرزهای ایران به سمت کنترل هوشمند و تکنولوژیک سوق یابد.

خاقانی (۱۴۰۰) در پایان نامه خود تحت عنوان «موفقیت یا عدم موفقیت شورای امنیت سازمان ملل متحد در حل مناقشات سرزمینی با نگاهی بر مناقشه قره‌باغ» بیان می‌کند که با توجه به خلاصه شدن تلاش‌های شورای امنیت سازمان ملل، در راستای حل مناقشات سرزمینی در منطقه قره‌باغ در صدور یک قطعنامه و محول ساختن ادامه پیگیری‌ها و مذاکرات به سازمان‌های منطقه‌ای از جمله سازمان امنیت و همکاری اروپا (گروه مینسک) و تداوم و تشدید بحران از سال ۱۹۹۴ تاکنون و ایجاد جنگ‌های پیاپی، تلاش‌های شورای امنیت سازمان ملل و گروه مینسک در حل مناقشه قره باغ موفقیت آمیز نبوده است.

صالحی و نوازنی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نقش جمهوری آذربایجان در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری آذربایجان با بهره‌گیری از پیوندهای زبانی و تاریخی به اقدامات تحریک‌آمیز و به ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران می‌پردازد.

سلطانی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «ارزیابی ارتقاء روابط جمهوری آذربایجان و ناتو و تاثیرات آن بر ناامنی مرزهای ایران (مطالعه موردی: ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۰)» به این موضوع پرداخته است که در بعد امنیت ملی، نفوذهای ناتو در جمهوری آذربایجان پیامدهای امنیتی - نظامی، ژئوکالچر و ژئواستراتژیک را برای جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت.

وال (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «مناقشه ناگورنو قره‌باغ در دهه چهارم خود» بیان می‌کند که؛ بحران قره‌باغ در دهه چهارم خود شاهد جنگ خونینی شد که در دوران بعد از فروپاشی شوروی سابق بی سابقه بوده است. در جنگ دوم قره‌باغ که در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ رخ داد آذربایجان به طور کامل زیان‌های ناشی از جنگ اوایل دهه ۱۹۹۰ را معکوس کرد و طرف ارمنی را شکست داده و تحقیر کرد. روسیه بعد از فروپاشی شوروی سابق برای اولین بار از طریق ایجاد نیروی حافظ صلح در قره‌باغ وارد منطقه درگیری شد. اما توافق نهایی و صلحی که وضعیت تنش در قره‌باغ را حل کند و منجر به عادی‌سازی روابط میان باکو و ایروان گردد، دشوار به نظر می‌رسد.

ایسپاچنکو (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «دخالت ترکیه - روسیه در جنگ ناگورنو قره‌باغ (تامین صلح نظامی با عواقب جنگ» به این موضوع پرداخته و در تحلیل و تبیین خود به این موضوع رسیدند که ترکیه با جانبداری از آذربایجان در درگیری‌های قره‌باغ، در درجه اول هدف خود را برای تضعیف وضع موجود در منطقه دنبال می‌کند. آنکارا بیش از هر چیز به دنبال تأمین جایگاهی برای خود در میز مذاکره در راه حل مناقشه میان ارمنستان و آذربایجان است که به دنبال پیاده سازی سناریوی سوریه به عنوان یک نمونه عمل می‌کند. بنابراین ترکیه می‌خواهد در قفقاز جنوبی، ترجیحاً بدون بازیگران غربی با روسیه مذاکره کند.

ریسز (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «جنگ در ناگورنو قره‌باغ یک استراتژی دو جانبه برای اتحادیه اروپا» به این نتیجه رسیده است که اتحادیه اروپا با اتخاذ استراتژی دوجانبه‌ی میانجیگری بین ایروان و باکو و همزمان مذاکره با کشور ترکیه را که آذربایجان را در این بحران حمایت می‌کند می‌تواند به حل و فصل این بحران کمک کند. نویسنده معتقد است از بین کشورهای اروپایی فرانسه و آلمان با توجه به شرایط ارتباطی که از طریق شرکت‌های داخلی و خارجی خود در اروپا و سایر کشورهای دنیا دارد که در این بین کشورهای مورد مناقشه نیز به دلیل نیازهای اقتصادی از این اصل مستثنی نیستند، می‌تواند نقش پررنگی را در ایجاد صلح در منطقه قره‌باغ داشته باشند.

اییلوو (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «پیشنهادهای گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا، از دیدگاه آذربایجان» به موضوع مناقشه قره‌باغ پرداخته است. نویسنده در این مقاله ضمن پرداختن به تاریخچه و هدف از تشکیل گروه مینسک، دیدگاه جمهوری آذربایجان را در رابطه با عملکرد و تلاش گروه مینسک برای حل و فصل مناقشه قره‌باغ مورد تحلیل قرار داده و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که کشور جمهوری آذربایجان معتقد است که

نگاه تبعیض‌آمیز کشورهای عضو گروه مینسک به مناقشه قره باغ هیچگونه رویکردی برای حل و فصل این مناقشه در پی نخواهد داشت.

مقالات و پژوهش‌های انجام شده در مورد بحران قره باغ فراوان هستند و اکثر این مطالعات به رقابت‌های ژئوپولیتیکی و سیاسی و عواقب و آثار آن در منطقه پرداخته‌اند. تفاوت و در واقع جنبه بدیع بودن این پژوهش با دیگر فعالیت‌های علمی پرداختن به آثار و پیامدهای امنیتی - انتظامی بحران قره باغ بر ساکنان مناطق مرزی شمال غرب ایران می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

الف) امنیت

از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای انسان است که در بسیاری از نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مدیریت از جمله نظریه پردازانی مانند فروم^۱ (۱۹۴۱)، هورنی^۲ (۱۹۳۷)، مازلو^۳ (۱۹۴۲) لینگ^۴ (۱۹۸۴)، مورز^۵ (۱۹۸۰)، لوچیانی^۶ (۱۹۸۹)، ماندل^۷ (۱۹۹۴) و... به عنوان مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای انسان به آن اشاره شده است (Nabavi, 2009:11). زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که تهدیدی اساسی برای حکومت جلوه کند. سرشت خاص تهدیدات امنیتی، توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آنها موجود می‌سازد. مفسران امنیت معتقدند که در قبال امنیت هم می‌توان رویکردی عینی اتخاذ کرد و هم رویکردی ذهنی (Tskitishvili, 2012:61). تمایز میان این دو رویکرد، برای صورت‌بندی مفهومی از امنیت بین‌الملل که مناسب دستور کاری چند بخشی باشد اهمیت قاطع دارد. امنیت ابعاد متفاوتی دارد که عبارتند از امنیت نظامی (Safavi&Jalali, 2015)، امنیت اقتصادی (Rabiei, 2003)، امنیت سیاسی (Nikfar&Faal, 2014)، امنیت فرهنگی (Moradian, 2008)، امنیت اجتماعی (Estaraki, 2021) و امنیت زیست محیطی (Akhawan kazemi, 2017). از دید بوزان ابعاد امنیت به طور کامل در عالم واقع قابل تفکیک نمی‌باشد و هر بعد از امنیت و تامین آن به نحوی وابسته به ابعاد دیگر و تامین آنها است (Farajirad, 2014).



- 1 - Fromm
- 2 - Horney
- 3 - Maslow
- 4 - Laing
- 5 - Morz
- 6 - Luciani
- 7 - Mandel

ب) مرز

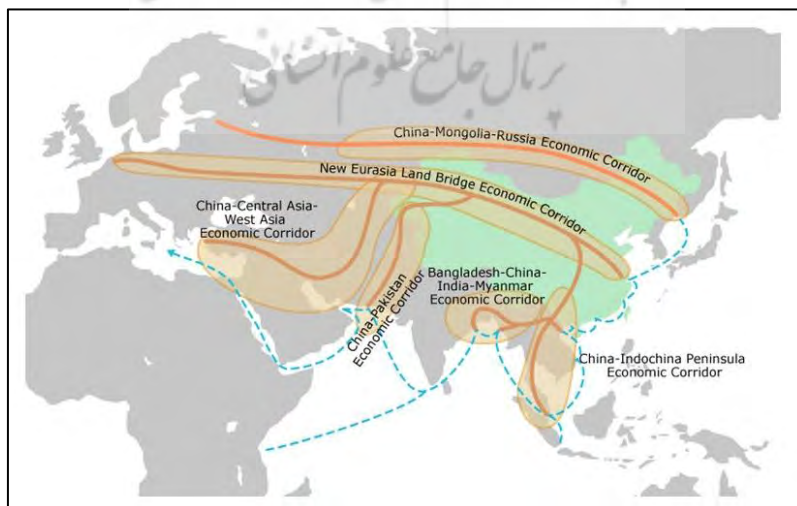
مرزها خطوط معینی هستند که حدود بیرونی قلمرو یا سرزمین یک حکومت را مشخص کرده و می‌توان گفت که عامل تشخیص و تمایز یک واحد سیاسی یا یک کشور، از دیگر واحدهای مجاور است (Hafeznia, 2006: 69). مرز همواره در حال تجربه تغییرات درونی می‌باشد و به این ترتیب واقعیت‌های جدیدی را بنیاد می‌نهد که توانایی تاثیرگذاری شگرفی بر روی زندگی مردم دارد (Newman, 2006: 123). مرز می‌تواند سطح بالایی از نفوذ ناپذیری را از خود به نمایش بگذارد، یا مرزی ساده و مرز دیگری بسیار پیچیده باشد و در نهایت احتمال دارد مرزی ویژگی خاصی داشته باشد در حالی که مرز دیگری چندین ویژگی مختلف را به همراه دارد. این مسئله جونز^۸ را به این باور رسانده است که طبقه‌بندی مطالعات مرزی به صورت پیوسته در حال تجربه تغییر و دگرگونی هستند (Jones, 2009: 181). تا چند دهه پیش مرزها را پدیده‌ای در نظر می‌گرفتند که تلاش دارد میان حاکمیت سرزمینی کشورها تمایز قائل شود، در دوران معاصر مرزها را موضوعی منحصر به حکومت نمی‌دانند، بلکه خطوط تفکیک کننده‌ای قلمداد می‌شوند که نه تنها حکومت‌ها، بلکه ملت‌ها، گروه‌های قومی، مذهبی، اجتماعی و نژادی را نیز از یکدیگر جدا می‌کنند (Newman, 2006: 124). در میان گونه‌های مختلف آن، مرزهای بین‌المللی، به این علت که در آن بیش از سایر گونه‌ها امکان بروز اختلاف و منازعه سیاسی وجود دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است (Ghafouri, 2016: 51). مرزها کانون برخورد دولت و ملت‌های رقیب و متخاصم مجاور یکدیگرند و داشتن مرزهای مطمئن از مؤلفه‌های قدرت هر کشور به شمار می‌آید و این ویژگی از اهرم‌های مهم سیاست حسن همجواری است که همواره به موازات سایر اهرم‌های موجود می‌تواند به کار گرفته شود (Rezaei & Ghaytasi, 2018: 4). پیچیدگی مسائل مرزی ضرورت توجه به ابعاد گوناگون آن را بیشتر نمایان می‌سازد. توجه و شناخت کامل جایگاه و اهمیت مرزها و همچنین حساسیت نسبت به مجریان سیاست‌های دولت در مرز، منجر به کارایی آنان در سیاست حسن همجواری و بهبود موقعیت کشور در نظام بین‌الملل و پوشش ضعف دیگر بخش‌های مستقر در مرز و مرزنشینان خواهد بود، برای اجرای دقیق این وظیفه باید خطوط مرزی و سایر عوارض طبیعی زمین را شناخت و امکانات خودی و همسایگان را برای حمله یا دفاع از حدود و ثغور مورد توجه قرار داد، زیرا در اولین لحظه

⁸ Jones

تیره شدن مناسبات و روابط دو کشور همسایه، نخستین درگیری‌ها و ایجاد ناامنی در خطوط مرزی اتفاق می‌افتد (Ahmadi&Akbari,2019:108-111).

ج) ژئوپلیتیک دسترسی و ژئوترانزیتی ایران

ایران در موقعیت مکانی استراتژیک قرار گرفته است که در گذشته با واقع شدن در قلب جاده ابریشم، قدیمی‌ترین کریدور خشکی پایه جهان، چهارراه تمدن‌ها شناخته می‌شد و امروزه نیز شرق و غرب و شمال و جنوب جهان را به هم متصل می‌نماید و از این رو نقطه تلاقی چهارسوی جهان محسوب می‌شود. این کشور که از نظر موقعیت جغرافیایی در جنوب غربی آسیا و در منطقه شکننده خاورمیانه واقع شده است، اتصال دهنده هند و روسیه از طریق کریدور شمال جنوب، اتصال دهنده آسیا-اروپا از طریق کریدور شرق-غرب یا جاده ابریشم نوین، پیونددهنده آسیای مرکزی، قفقاز، ترکیه و اروپای غربی از طریق کریدور تراسیکا، پیونددهنده جنوب شرقی آسیا به شمال غربی اروپا در کریدور جنوبی آسیا، پیونددهنده اعضای سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو و هم‌چنین پیونددهنده کشورهای آسیای مرکزی به دریاهای آزاد و خلیج فارس در توافقنامه عشق آباد محسوب می‌شود (Noorali&Ahmadi,2022:163). در واقع ایران در یکی از بهترین موقعیت‌های جغرافیایی جهان قرار دارد که ترکیبی از نقش‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی و ژئوترانزیتی را در منطقه جنوب غرب آسیا بازی می‌کند. پررنگ شدن بعد اقتصادی حمل و نقل در عصر جدید، سبب شده است که ژئوپلیتیک حمل و نقل، از بعد ژئواستراتژیک خود به بعد ژئواکونومیک و ژئوپلی‌نومیک سیر پیدا کند. در واقع در این ژئوپلیتیک جدید، یک رقابت بزرگ قدرت در قرن بیست و یکم شکل گرفته است که حمل و نقل در بسیاری از درگیری‌های بین‌المللی در سراسر جهان محوریت دارد، از این رو جغرافیای حمل و نقل به سوی ژئوپلیتیک حمل و نقل سیر پیدا کرده است (Lin,2018:1). جاده ابریشم باستانی که یک جاده خشکی پایه بود، در پروژه‌های جدید که تلفیقی از مسیرهای آبی و بری است توسط قدرت نوظهور چین در قرن بیست و یکم جایگزین شد. در واقع احیای جاده ابریشم سابق در چارچوب دکترین ظهور مسالمت آمیز چین برای رفع تصور تهدید آمریکا و غرب و یک سال پس از ایده ارتقا همه جانبه اقتصاد آزاد چین که خواستار هماهنگی همکاری‌های دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و فرو منطقه‌ای و ترویج ارتباط چین با کشورهای همسایه بود، مطرح شد.



نقشه شماره ۱: ابتکار کمر بند - جاده و شش کریدور اقتصادی

گنجاندن یک کشور استراتژیک و جغرافیایی مهم مانند ایران در ابتکار "یک کمر بند یک جاده" به جنبه مهمی از سیاست اقتصادی چین اشاره می‌کند و موقعیت استراتژیک ایران، این کشور را به یک جزء حیاتی در چارچوب جهانی ابتکار یک کمر بند یک جاده تبدیل می‌کند در واقع برای چین، ضرورت جبران منافع اقتصادی ایالات متحده در خلیج فارس، مستلزم آن است که کشورهای بیشتری به ابتکار یک کمر بند - یک جاده بپیوندند و ایران با توجه به نزدیکی جغرافیایی خود به منطقه و روابط شکننده آن با ایالات متحده به عنوان یک ذینفع مهم در این طرح عمل می‌کند (Tianiang, 2019:2).

د) کریدور شمال-جنوب

قرار گرفتن در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال جنوب، در نتیجه برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای روسیه، اروپای شرقی، مرکزی، شمالی، آسیای مرکزی و قفقاز از یکسو و آسیای جنوبی، جنوب شرقی، خاور دور، اقیانوسیه و کشورهای

حاشیه خلیج فارس از طرف دیگر، می‌تواند به عنوان یک مزیت برجسته برای ایران قلمداد شود و به واسطه کوتاهی مسیر و آماده سازی امکانات و زیرساخت‌ها و فراهم آوردن تسهیلات گسترده در بخش‌های مختلف حمل و نقلی، مسیر ایران از جذابیت‌های فراوانی برای ترانزیت کالا در چارچوب کریدورهای منطقه‌ای برخوردار است.

چالش‌های عمده بر سر راه موقعیت ژئوپلیتیک ایران در این کریدور عبارتند از: مناقشات ژئوپلیتیک ارمنستان و آذربایجان در شمال غربی ایران و نقش ایران در این کشمکش، مسئله کریدور پان ترکستی زنگه‌زور و بسته شدن مرز ایران و ارمنستان، بالا بودن ریسک سرمایه گذاری در ایران به علت تحریم‌های گسترده، قوانین دست و پاگیر گمرکی، توسعه نیافتگی بندرها و مناطق آزاد شمالی و جنوبی ایران، به تحقق نرسیدن توسعه بندر چابهار در اثر سرمایه گذاری‌های هند، مناسبات گسترده ایران با چین به عنوان کشور رقیب هند، طرح جایگزین هند برای کریدور شمال-جنوب با طرح پیشنهادی راهگذر عرب مدیترانه و حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه (Noorali&Ahmadi, 2022:163).



نقشه شماره ۲: کریدور شمال-جنوب

قلمرو پژوهش

قره‌باغ سرزمینی است در جنوب قفقاز که بر اساس قوانین بین‌المللی، جمهوری آذربایجان به طور قانونی این منطقه را که پنج درصد از خاک ملی آن را تشکیل می‌دهد، در اختیار دارد. این سرزمین باستانی به دو پاره جلگه‌ای (سفلی) و کوهستانی (علیا) تقسیم شده است. بخش سفلی در شمال واقع شده که شهر گنجه مرکز آن است و قسمت کوهستانی آن با عنوان «منطقه خودمختار قره‌باغ» شناخته می‌شود. قسمت کوهستانی تقریباً دوازده و نیم درصد کل سرزمین قره‌باغ را دربر گرفته است. بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۹۸۹ جمعیت آن به ۱۸۹۰۲۹ نفر می‌رسید (Babayev & et, 2020:18). مساحت این استان ۴۳۸۸ کیلومتر مربع با مختصات، ۱۲۰ کیلومتر از جنوب به شمال و بین ۳۵ تا ۶۰ کیلومتر از خاور به باختر است. این استان از ۵ ناحیه (عسکران، مارتونی دیزاق، شوشا و آغ‌دره) تشکیل می‌شود. دارای دو شهر به نام‌های خان‌کندی^۹ و شوشا و ۵ شهرک، یک قصبه^{۱۰} و ۲۲۰ روستا است. از دیدگاه موقعیت جغرافیایی بین ۳۹ درجه و ۲۵ دقیقه و ۴۰ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی قرار دارد. قره‌باغ از طرف شمال به کوه‌های قفقاز کوچک، از باختر و جنوب به کوه‌های مرسوم به قره‌باغ و از خاور و شمال، به کناره‌های باختری دشت میل‌مغان و دشت قره‌باغ می‌پیوندد (Godbande Lu, 2016:29).

^۹ - این شهر از طرف ارمنی‌ها با عنوان استپاناکرت شناخته می‌شود

^{۱۰} - دهستان



نقشه شماره ۳: موقعیت جغرافیایی منطقه قره باغ و مرزهای ایران

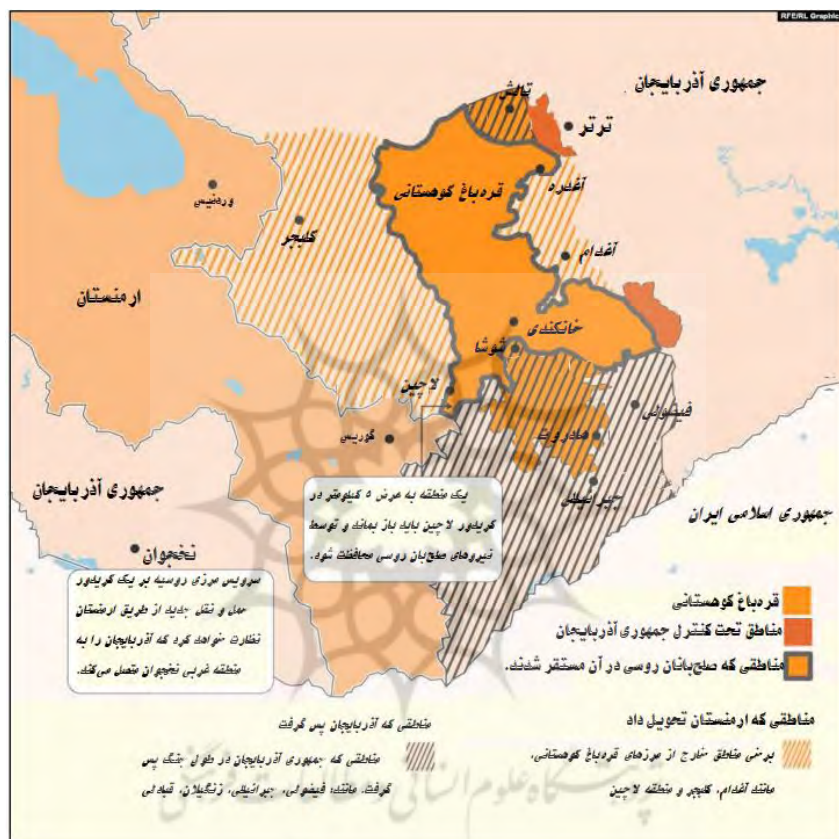
جنگ دوم قره باغ

اولین دوره جنگ قره باغ با امضاء قرارداد آتش بس بیشکک در سال ۱۹۹۴، به پایان رسید و قره باغ کوهستانی و شهرهای اطراف آن، اعم از آغدام، جبرائیلی، فضولی، کلبجر، قبادلی، لاچین و زنگیلان که قلمرو شناخته شده بین‌المللی جمهوری آذربایجان از سوی جامعه بین‌المللی است، به تصرف ارمنستان درآمد (Hajiyeva, 2001: 9140). طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۵ هر دو طرف نسبت به قرارداد آتش بس پایبند نبوده و شاهد درگیری‌های پراکنده که منجر به تلفات انسانی باشد، بوده‌اند. طی این سال‌ها دولت جمهوری آذربایجان کوشش دیپلماتیک گسترده‌ای را در سطح بین‌المللی در قبال موضوع قره باغ صورت داد. در فوریه ۲۰۰۶ نمایندگان گروه مینسک از ارمنستان و جمهوری آذربایجان بازدید و رهبران دو کشور را به ملاقات و گفت‌وگو در فرانسه دعوت کردند. متعاقب آن، سران دو کشور در همان ماه به دعوت ژاک شیراک ۱۱ به پاریس عزیمت و در رامبولی با یکدیگر ملاقات کردند؛ اما اختلاف نظر دو طرف به قدری زیاد بود که آنها ترجیح دادند درباره این موضوع، کنفرانس مطبوعاتی نداشته باشند و اعلام موضع را به وزرای خارجه خود محول کردند. مجدداً با تحرکات گروه مینسک وزرای خارجه دو کشور در ۱۹ مه ۲۰۰۶ در استراسبورگ ۱۲ فرانسه دیدار و درباره تحولات مناقشه قره باغ به گفت‌وگو پرداختند که باز هم بی‌نتیجه بود. با این حال، نمایندگان گروه مینسک در اول و دوم فوریه ۲۰۰۶ از هر دو کشور دیدار و در زمینه مناقشه به مذاکره پرداختند (امیر احمدیان، ۱۳۸۵: ۹). جنگ دوم قره باغ برخلاف جنگ اول یک جنگ کوتاه و قاطع بود؛ در عرض شش هفته - ۲۷ سپتامبر تا ۹ نوامبر ۲۰۲۰ - تمامی دستاوردهای ارمنی‌ها در جنگ پیشین از دست رفت و باکو به یک پیروزی اساسی دست یافت. این جنگ با حمله نیروهای نظامی باکو از دو سمت شمالی و جنوبی قره باغ آغاز شد اما پس از

¹¹ Jacques Chirac

¹² Strasbourg

چند روز، جبهه اصلی جنگ بر محور جنوبی این کارزار یعنی بخش‌های مابین جنوب قره‌باغ و مرزهای شمالی ایران، در امتداد رود ارس قرار گرفت که تصرف آن و سعی در دستیابی بر شاهراه گوریس-لاچین-شوشا در شمال آن، حدود ارزش نظامی و سیاسی بیشتری داشت تا بخش‌های شمالی قره‌باغ (بیات، ۱۴۰۰: ۲). این جنگ ۴۴ روزه در تاریخ ۱۸ آبان ۹۹ با فتح شوشا دومین شهر مهم قره‌باغ توسط ارتش جمهوری آذربایجان به نقطه کلیدی و تعیین کننده رسید. با فتح شوشا در ۱۵ کیلومتری خان‌کندی مرکز قره‌باغ حدود ۲۰ هزار سرباز ارمنی در محاصره سربازان جمهوری آذربایجان قرار گرفتند (Crisis Group, 2020: 2). با انجام توافق آتش‌بس در ۹ نوامبر ۲۰۲۰ و با اعزام ۲۰۰۰ صلح‌بان به منطقه قره‌باغ به این درگیری به صورت موقت پایان داد (Rácz, 2021: 4).



شکل شماره ۴: تحولات میدانی قره‌باغ در زمان آتش‌بس (منبع: Welt S. Bowen, 2021:14)

در این جنگ دو طرف متحمل تلفات سنگینی شدند که بر اساس اعلام کارشناسان حدود ۸۰۰۰ نفر از دو طرف کشته شده و ۳۰۰۰۰ هزار ارمنی برای همیشه آواره شدند (Welt S. Bowen, 2021:2 & de Waal, 2021:5).

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت داده‌ها و شیوه اجرا، از نوع پژوهش‌های کیفی و رویکرد اکتشافی است. با توجه به اکتشافی بودن پژوهش، به دنبال شناخت مفاهیم، الگوها و چارچوب‌ها هستیم. از این رو، اغلب یافته‌های نهایی از پیش معلوم نیستند و با توجه به پیاز فرایند پژوهش، از نظر جهت گیری‌های پژوهش، این

پژوهش کاربردی و از لحاظ فلسفه‌های پژوهش، تفسیری است. ابتدا با مراجعه به ادبیات تجربی و نظری، پیامدهای امنیتی جنگ دوم قره‌باغ بر امنیت مناطق مرزی شمال غرب کشور شناسایی و مبنای سوالات در مصاحبه قرار گرفت. سپس با مراجعه به ۲۸ نفر از فرماندهان مرزبانی استان آذربایجان شرقی و صاحب‌نظران و خبرگان این حوزه مصاحبه نیمه ساختار یافته به صورت هدفمند و به شیوه گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون سه سطحی شامل مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انجام گرفته است.

برای بدست آوردن روایی پژوهش از نظرات و رهنمودهای خبرگان، کارشناسان و همچنین اساتید راهنما و مشاور برای تدوین سوالات مصاحبه استفاده شده است. اعتباریابی ابتدا توسط اعضا صورت گرفت به طوری که از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی مطالعه را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند و سپس از نظریات آنها در هنگام نتیجه‌گیری و تحلیل کمک گرفته شد. سپس با مقایسه تحلیلی به داده‌های خام رجوع گردید تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد. پس از آن از بازرسی خارجی استفاده شد. به طوری که داده‌ها چندین بار توسط خبرگان مورد بررسی و نظارت قرار گرفت و راهنمایی‌ها و ملاحظات خبرگان در انسجام بخشی و بکارگیری درست از یافته‌ها چندین بار تکرار گردید.

از آنجا که روش تحلیل مضمون به بررسی و تحلیل متن می‌پردازد، نحوه جمع آوری اطلاعات، در قالب چرخه‌های برداشت از متن انجام می‌شود. در واقع محقق با طی کردن مسیر رفت و برگشتی درون متن، به درک بهتری از متن می‌رسد. در هر رفت و برگشت، یافته‌های جزئی که ناسازگار و متناقض با سایر یافته‌های محکم تر قبلی هستند، کنار گذاشته می‌شوند. این مسیر تا جایی ادامه می‌یابد که درک قابل قبولی از متن ایجاد شود که کمترین تناقض درونی را دارد. لذا مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده با مشارکت‌کنندگان پیاده‌سازی و مکتوب گردید و به عنوان بانک اطلاعاتی اولیه برای تحلیل مضمونی مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت شناختی: این نوع آمار صرفاً به توصیف جامعه مورد مطالعه برای داده‌های مربوط به بخش توصیفی یا مصاحبه پرداخته و هدف آن محاسبه پارامترهای جمعیت شناختی جامعه می‌باشد. هر گاه محاسبه شاخص‌ها و مقادیر جامعه آماری از طریق سرشماری تمامی عناصر صورت پذیرد آن را آمار توصیفی گویند.

جدول ۱: توزیع نمونه آماری شرکت کنندگان مصاحبه

متغیر		فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۳	۱۰/۷۱٪
	مرد	۲۵	۸۹/۲۹٪
میزان تحصیلات	لیسانس	۷	۲۵٪
	فوق لیسانس	۱۰	۳۵/۷۱٪
	دکتری	۱۱	۳۹/۲۸٪
تخصص	حوزه امنیتی - انتظامی	۳	۱۰/۷۱٪

حوزه دانشجویی	۱۰	۳۵/۷۱٪
حوزه مرزبانی	۱۶	۵۷/۱۴٪
تعداد کل	۲۸ نفر	

یافته‌های تحلیلی

برای استخراج داده‌ها و مؤلفه‌ها، مصاحبه صاحب نظران و گزارش‌های کارشناسی نهادهای امنیتی و انتظامی بررسی شدند و با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گرفتند. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شده با مشارکت‌کنندگان پیاده‌سازی و مکتوب گردید و به عنوان بانک اطلاعاتی اولیه برای تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفت. در جدول زیر نمونه‌ای از نقل قول‌ها و مضامین پایه‌ای آورده شده است.

جدول ۲: احصای مضامین پایه‌ای از نقل قول‌ها

مضامین پایه‌ای	نقل قول	مصاحبه شونده
تضعیف نقش ایران در دالان شمال و جنوب، اختلال در مسیر ارتباطی ایران با اروپا، اختلال در انتقال انرژی، حذف خط لوله گاز ایران به ارمنستان	از جمله پیامدها کاهش مراودات ایران و ارمنستان با علل حمایت شفاف ایران از آذربایجان در خصوص پایان یافتن اشغال قره باغ بود. همچنین تغییر در مناسبات انتقال انرژی دریای خزر به اروپا و اختلال در مسیر ارتباطی ایران با اروپا از ارمنستان	۱
حضور نیروهای تروریستی تکفیری سلفی، حضور نیروهای تروریستی پ.ک.ک، حضور نیروهای فرامنطقه‌ای، حضور سرویس‌های اطلاعاتی	حضور ترکیه در منطقه و حمایت از گروه‌های تروریستی برای جنگ علیه ارمنستان و حضور این گروه‌ها در منطقه قره باغ در آینده، فعالیت این گروه‌ها در نزدیکی مرزهای شمال غربی ایران و ایجاد تنش در مرزها را متصور نموده است. چرا که برابر اخبار موثق گروه‌های تکفیری و سلفی از کشورهای سوریه و لیبی توسط دولت ترکیه به آذربایجان منتقل شده‌اند.	۴
استقرار نیروهای تکفیری، تغییر بافت شیعی و تاریخی اراضی آزاد شده، ایجاد پایگاه نظامی ترکیه، استقرار صلح بانان روسی و استقرار رژیم صهیونیستی، ایجاد کانون نا امنی و تجزیه طلبی علیه ایران	انگیزه مشترک و اصلی بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از جنگ دوم قره باغ، ضربه زدن به عقبه ژئوپلیتیکی ایران در قفقاز در پوشش آزادی اراضی اشغالی ج. آذربایجان و از طریق پروژه معاوضه دالان‌ها، استقرار نیروهای تکفیری، تغییر بافت شیعی و تاریخی اراضی آزاد شده، ایجاد پایگاه نظامی ترکیه، استقرار صلح بانان روسی و استقرار رژیم صهیونیستی در اراضی آزاد شده جمهوری آذربایجان می‌باشد.	۹
تقویت پان ترکیسم تهاجمی، ایجاد کانون نا امنی و تجزیه طلبی، تضعیف غرور ملی ایرانیان، ایجاد بحران قومی، اتصال خط تاریخی پان ترکیسم	پان ترکیسم تهاجمی با همکاری ترکیه، جمهوری آذربایجان، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و انگلستان با استفاده از فضای تبلیغی مبنی بر پیروزی جمهوری آذربایجان و ترکیه اجرایی می‌شود. در این راستا اردوغان در مراسم رژه پیروزی در باکو شعر تجزیه طلبانه آواز آواز را خواند که با واکنش تند و یکپارچه ایرانیان مواجه شد. صحبت‌های اردوغان در رژه باکو تهدید تمامیت ارضی ایران و مغایر منشور سازمان ملل، مغایر قاعده حقوقی التزام کشورها به احترام به تمامیت ارضی و نقض اصول حسن همجواری بود. این موضع گیری اتفاقی نبود بلکه آغاز فاز دوم پروژه جنگ قره باغ می‌باشد.	۱۴
نا امنی جاده‌های ترانزیتی، اختلال در سیستم حمل و نقل، اختلال در مبادلات تجاری	نتیجه بررسی‌ها از تردد‌های ترانزیتی در پایانه مرزی نوردوز حاکیست که تعداد ترددات در حدود ۲۵٪ کاهش یافته که علت این امر نا امنی جاده ترانزیتی در خاک ارمنستان واقع در منطقه قاپان تا سیسیان با توجه به اصابت گلوله‌های خمپاره اندازه‌ها و توپ‌ها به جاده اصلی می‌باشد.	۲۴

در مرحله بعد به احصای مضامین سازمان‌دهنده از مضامین پایه‌ای پرداخته شد که با توجه به حجم زیاد و تعداد بالای مضامین بدست آمده در مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته نمونه‌ای از آنها در جدول زیر آمده است.

جدول ۳: احصای مضامین سازمان‌دهنده از مضامین پایه‌ای

مضامین سازمان‌دهنده	مضمون پایه‌ای	مصاحبه شونده
ایجاد ناامنی	حضور نیروهای تکفیری در مرز	۲
	افزایش ترددات متجاوزین مرزی	۱۴
	حضور گروهک‌های معاند	۳
	افزایش تردد تیم‌های تروریستی	۱
	افزایش حضور و نفوذ ناتو،	۲۴
	افزایش قاچاق سلاح	۱۳
اقدامات خرابکارانه	اقدامات تروریستی	۶
	حملات پهبادی	۹
	حمله به مراکز دیپلماتیک، مراکز مذهبی و کلیساها	۲۳
	درگیری با مأمورین مرزی	۱۴
	استقرار پهبادهای تهاجمی،	۲۷
	حمله به اهداف خاص از جمله تأسیسات هسته‌ای	۱۰
اختلافات قومی و مذهبی	ایجاد شکاف قومی و مذهبی	۲۱
	ترویج افکار قوم‌گرایانه	۱۱
	دامن زدن به اختلافات مذهبی و قومی	۲۰
تجزیه طلبی	ترویج پانترکیسم	۸
	ایجاد بحران قومی	۱۱
	اتصال خط تاریخی پان ترکیسم	۵
ترویج خشونت	رشد فزاینده قاچاق سلاح و مهمات غیر مجاز	۱۶
	افزایش درگیری‌های مرزی	۱۲
	ترویج فعالیت‌های مسلحانه‌ای	۲۸
	از بین رفتن بافت شیعی	۱۸
	ترویج خشونت توسط رسانه‌های معاند	۱۵
	استفاده از شبکه‌های رسانه‌ای	۱۲
	کاهش عرق ملی در مقابل گرایش‌های قوم‌مدارانه	۱۹
اختلال در حوزه حمل و نقل	نا امنی جاده‌های ترانزیتی	۷
	اختلال در مسیر ارتباطی ایران با اروپا	۲۲
	قطع مسیر ارتباطی کریدور شمال - جنوب	۱۱
	کاهش دسترسی ایران به مسیر اروپا	۲۵
	انسداد مرزهای شمالی	۱۷
	قطع مسیر ارتباطی کریدور شمال - جنوب	۲۶
فشار اقتصادی	حذف خط لوله گاز ایران به ارمنستان	۲۱

	کاهش سرمایه گذاری	۱۳
	افزایش قاچاق در نوار مرز،	۱۳
	اعمال فشار تحریم اقتصادی بیشتر با تغییر مرز	۱۱
	محاصره سرزمینی ایران	۱۷
افزایش جرائم	افزایش ترددات متجاوزین مرزی	۱۴
	افزایش فعالیت قاچاقچیان سلاح و مهمات	۲
	قاچاق مواد مخدر	۱۴
	بی ثباتی سیاسی و امنیتی	۱۸
	گسترش جرائم و آسیب های اجتماعی	۱۷
	قاچاق مشروبات الکلی در نوار مرزی	۱۴
تغییر مرز و ژئوپولیتیک	از بین رفتن ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران	۶
	ایجاد کریدور زنگه زور	۱۰
	تغییر مرز و ژئوپولیتیک منطقه	۱۲
	قطع مسیر ارتباطی کریدور شمال - جنوب	۱۷
	ایجاد پایگاه های نظامی	۱۹

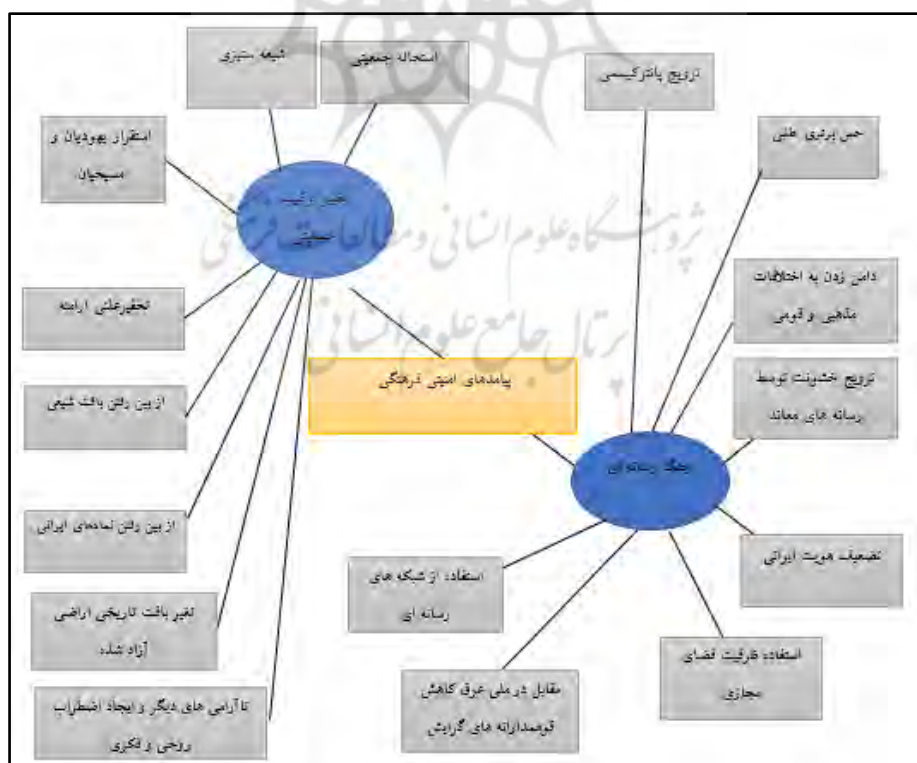
پس از شناسایی مولفه های تاثیرگذار در پیامدهای امنیتی جنگ دوم قره باغ بر مناطق مرزی شمالغرب جمهوری اسلامی ایران، از طریق فرآیند داده های حاصل از مصاحبه های عمیق و اکتشافی با خبرگان و صاحب نظران، مقوله های اصلی استخراج و اولویت هر یک از آنها بر اساس فراوانی مضامین ذکر شده در مصاحبه، یافته های حاصل از مصاحبه ها در قالب کدهای مضامین پایه ای و در نهایت مضامین سازمان دهنده، قرار گرفته، تفکیک و دسته بندی شدند. که پنج دسته مضمون فراگیر شامل مقوله های امنیتی - سیاسی، امنیتی - اجتماعی، امنیتی - فرهنگی، امنیتی - اقتصادی و امنیتی - انتظامی شناسایی شدند.



نمودار شماره ۲: ترسیم ارتباط مضمون فراگیر (پیامدهای امنیتی-سیاسی) با مضامین سازمان دهنده و پایه‌ای



نمودار شماره ۳: ترسیم ارتباط مضمون فراگیر (پیامدهای امنیتی-اجتماعی) با مضامین سازمان دهنده و پایه‌ای



نمودار شماره ۴: ترسیم ارتباط مضمون فراگیر (پیامدهای امنیتی-فرهنگی) با مضامین سازمان دهنده و پایه‌ای



نمودار شماره ۵: ترسیم ارتباط مضمون فراگیر (پیامدهای امنیتی-اقتصادی) با مضامین سازمان دهنده و پایه‌ای

بحث و نتیجه‌گیری

مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی، از ویژگی‌های خاص برخوردارند. یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های اصلی در مناطق مرزی مسایل امنیتی می‌باشد. بسیاری از دولت‌ها ناامنی‌های داخلی را ناشی از بی‌توجهی به مرز و امنیت مرزی می‌دانند. ایجاد امنیت در مرزها، شکوفایی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یک ملت را به دنبال دارد، با این دیدگاه و نظر موضوع جنگ قره باغ با توجه به هم مرز بودن جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دخیل در جنگ، اهمیت این موضوع را بیش از پیش نموده است.

تأمین امنیت، یکی از مهم‌ترین انتظارات اساسی جامعه از دولت‌هاست هرچند دولت‌ها در کنار این مسئولیت نقش‌های مهم دیگری از جمله دفاع از تمامیت ارضی، عمران، آبادانی کشور، دفاع از ارزش‌ها و رفاه عمومی را نیز به عهده دارند. برای اینکه کشوری بتواند بطور نسبی به این امنیت دست یابد، بایستی دارای مرزهای مطمئن و مستحکم باشد، در این خصوص با مفهوم به نام امنیت مرز روبرو خواهد شد.

در بررسی کدهای مضامین پایه‌ای و در نهایت مضامین سازمان دهنده، پنج دسته مضمون فراگیر شامل مقوله‌های امنیتی-سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی و امنیتی و انتظامی شناسایی شدند که این پنج دسته متناظر با پیامدهای امنیتی جنگ دوم قره باغ بر مرزهای شمالغرب هستند. لذا به عنوان پنج مضمون فراگیر شامل

پیامدهای امنیتی - سیاسی ، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی و امنیتی و انتظامی از منظرهای مختلف، می‌توان رابطه بین متغیرهای مستقل (پیامدهای امنیتی) و وابسته (امنیت مرزهای شمالغرب) را تعیین کرد. اگر با نگاه کیفی محور به موضوع شناسایی پیامدهای امنیتی جنگ دوم قره‌باغ بر مرزهای شمالغرب نگریده شود، مضامین پنج گانه شناسایی شده می‌تواند مضمونی فراگیر قلمداد شود. اگر این مضمون فراگیر از منظر خط مشی گذاران مقبول واقع شود، می‌تواند متناظر با هر چالش ، خلأهای موجود را بهتر درک کرد و خط مشی‌های متناسب نیز ارائه داد. انتخاب این پیامدها به عنوان مضمون فراگیر از این جهت اهمیت دارد که می‌توانند امنیت ملی کشور را تحت تاثیر قرار داده و تبعات آن تمامی نقاط کشور را تحت تاثیر قرار دهد، لذا پیگیری از تبعات این پیامدها نیازمند اتخاذ تدابیر و خط مشی‌های خاصی می‌باشد و در صورتی که خط مشی‌های پیشنهادی متناسب با چالش‌های موجود ارائه نشود، نمی‌توان نتایج موفقیت آمیز را انتظار داشت. بنابراین اگر با نگاه کیفی محور به موضوع نگریده شود، برابر نتایج بدست آمده پیامدهای امنیتی جنگ دوم قره‌باغ بر مرزهای شمالغرب تمامی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را در برمی گیرد. چرا که طراحی این جنگ با هدف اجرایی کردن دالان بین المللی تورانی توسط آذربایجان با حمایت ترکیه و اسرائیل صورت گرفته است. بنابراین برابر یافته‌های این پژوهش در صورت کنترل باکو بر منطقه زنگزور و لاجین، عملاً بخشی از راه ارتباطی با ارمنستان و تبع آن اوراسیا و اروپا در اختیار آذربایجان و متحدانش قرار می‌گیرد، این مسیر محل درآمد میلیون‌ها دلار تجارت خارجی ایران با همسایگان و حتی کشورهای اروپایی می‌باشد. اساساً کنترل باکو بر استان سیونیک می‌تواند به کانون حضور نظامیان اسرائیل در مرز شمالی ایران در منطقه زنگزور تبدیل شود. همچنین کنترل این منطقه موجب خواهد شد که آنکارا و باکو دست بالا را در زمینه انرژی و ترانزیتی نسبت به تهران داشته باشند. بنا بر یافته‌های بدست آمده از مصاحبه با برخی از کارشناسان، اسرائیل با آگاهی از حساسیت‌ها و نگرانی‌های ایران، قصد دارد پای تهران را به جنگ آذربایجان با ارمنستان باز کرده تا از این طریق بهانه لازم را برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران کسب کند. طراحی این جنگ با کمک و پشتیبانی کشورهای فرامنطقه‌ای از جمله ترکیه و رژیم اشغالگر قدس موجب باز شدن پای دشمنان و رقیبان دیرینه ی نظام اسلامی به منطقه شده و رژیم صهیونیستی که بدنبال فرصتی برای نزدیک کردن خود به مرزهای ج.ا.ا بود این فرصت در جنگ اخیر قره باغ فراهم گردیده و الآن سعی می‌کند که نهایت " استفاده را از فرصت بدست آمده نموده و به عناوین مختلفی از جمله پروژه‌های کشاورزی مکانیزه، روستاهای هوشمند و به برنامه خویش جامه ی عمل بپوشاند. دولت مردان کشور آذربایجان نیز با تکیه بر کشورهای خارجی و رژیم‌های نامشروع (ترکیه و اسرائیل) در تب پیروزی گرم هستند و غافل از اینکه ترکیه علاوه بر ذخایر نفتی چشم بر دستیابی مسیر ترانزیتی آذربایجان داشته و اسرائیل صرفاً با هدف نزدیک شدن به ایران در این کشور حضور یافته و استفاده از منابع آذربایجان هم فرصتی است که برای وی فراهم شده و حضور این دو می‌تواند در آینده بر امنیت آذربایجان بدلیل اختلاف در ایدئولوژی با مردم آذربایجان که بالای ۸۵٪ مسلمان و شیعه اثنی عشری هستند و منطقه تأثیر منفی داشته باشد.

ترکیه و رژیم اشغالگر تمام، تلاششان بر این است که جمعیت آنسوی مرز را که قبلاً شیعه بودند و قرابت خونی و فرهنگی با مرزنشینان این سوی مرز داشتند، تغییر داده و با یک استحاله جمعیتی از یهودیان و یا اهل تسنن فرا منطقه‌ای

سکونت دهند و در افق دور هیچ کس از مرزنشینان آنسوی مرز مانع و یا مشکلی با حضور کشورهای فرا منطقه‌ای در کشور آذربایجان نداشته باشند و بدون هیچ مانعی به برنامه‌های خود بپردازند و این می‌تواند یک تهدید امنیتی دیگری برای کشورمان ایجاد نماید.

با توجه به موقعیت استراتژی جمهوری اسلامی ایران در نوار مرزی شمال، شمالغرب کشور در منطقه عمومی جلفا - خدا آفرین و... و در راستای تاکید فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص عدم هرگونه تغییر در مرزهای ژئوپولیتیکی کشور، پس از بروز جنگ ما بین دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان در دو سال اخیر موجبات امنیتی شدن امن ترین مرز کشور ایران فراهم گردیده است که اهم پیامدهای امنیتی این جنگ از نظر کارشناسان و صاحب نظران این پژوهش بیان گردید.

پیشنهادهای پژوهش

- تلاش در جهت کاهش واگرایی قومی و مذهبی از حاکمیت و تقویت هم گرایی از طریق اشاعه هویت ملی (ایرانی - اسلامی) در جهت تقابل با اقدامات تفرقه افکنانه؛
- تبیین خط قرمز ایران در استقرار پایگاه یا نیروهای ترکیه و رژیم صهیونیستی در اراضی جمهوری آذربایجان؛
- تبیین اهداف انگلستان و آمریکا از اتصال جغرافیایی خط پان ترکیسم به عنوان یک پروژه ضد ایرانی؛
- تقویت علائق و منافع مشترک و زدایش تصورات قالبی، تعصب، پیشداوری و تبعیض فرهنگی؛
- تقویت وسایل ارتباط جمعی داخلی و محلی که می‌تواند تاثیرات تبلیغات گروه‌های افراطی در ایجاد واگرایی اقوام را خنثی نماید.
- ایجاد جریان نقدینگی و درآمد برای افزایش سطح رفاه اهالی منطقه و کاهش تضاد طبقاتی؛
- ممانعت از ایجاد کریدور و مذاکره با ارمنستان برای طراحی کریدور از مسیر لاجین و ایروان به نخجوان و محدود شدن کریدور به ترانزیت کالا و مسافر و عدم شمول انرژی به موضوع.
- تشدید اقدامات کنترلی و پوشش خلاءهای مرزی در جهت کاهش تردد غیر مجاز، ورود قاچاق و... از نوار مرز؛
- برگزاری جلسات درون و برون سازمانی به منظور احصاء تهدیدات متصوره و برنامه ریزی در جهت مقابله جدی با تهدیدات با هم افزایی و اشراف اطلاعاتی؛
- نسبت به مرتفع نمودن نقاط ضعف در تهیه برآوردهای اطلاعاتی و عملیاتی به ویژه در برخورد با قاچاقچیان، مترددین مرزی، گروهک‌ها و... اقدام لازم به عمل آید.

کتابنامه

1. Abilov, Shamkhal (2018) OSCE Minsk Group: Proposals and Failure, the View from Azerbaijan, Insight Turkey, Vol. 20, No. 1, pp. 143-163.
2. Adam, A., Keshavarz, E. (2019) Management of international crises, Tehran, Somit Publications. [in Persian].

3. Ahmadi Nohdani, Siros and Akbari, Milad. (2019). Investigating the consequences of border management with a security approach on the spatial justice of the border cities of East and West Azerbaijan provinces based on the TOPSIS model (area of study: border cities of Jolfa, Peldasht and Mako). *Space Political Analysis Quarterly*. Volume 2. Number 2. Summer. pp. 108-131.
4. Akhwan Kazemi, Bahram (2017) *Security in Islamic Political System*, Tehran, Young Thought Center.
5. Babayev, Azer. Schoch, Bruno & Hans-Joachim Spanger (2020) *The Nagorno Karabakh deadlock Insights from successful conflict settlements*, Springer Fachmedien Wiesbaden GmbH, part of Springer Nature 2020.
6. Buzan, Barry, (2009). *Security: a new framework for analysis*, Oxford university Press
7. Faraji Rad, Alireza,(2014). *Deceased states*, Publications of the Geographical Organization of the Armed Forces, Tehran.
8. Ghafouri, Nasser (2016) *Getting to know the border guards of neighboring countries*, Tehran, Amin University of Police Sciences Publications.
9. Godbande Lu, Behzad; Rod Gooderzi, Masoumeh; Niakoui, Seyyed Amir (2016) *The Nagorno-Karabakh crisis and its effects on Iran-Azerbaijan relations from the beginning of the conflict to today*, Master's thesis, Gilan University, Faculty of Literature and Humanities.
10. Hafeznia, Mohammad Reza (2006) *Basics of Political-Social Studies*, Volume 1, Qom, Kamal-ul-Molk Publications.
11. Isachenko, Daria (2020) *Turkey–Russia Partnership in the War over Nagorno-Karabakh*, German Institute for International and Security Affairs (SWP). Available by: https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/prod_ucts/comm_ents/
12. Job, Brianl. (2005) *The Insecurity Dilemma: National, Regime, And State Securities in The Third World*, In Job. *The Insecurity Dilemma*.
13. Jones, Reece. (2009). *Categories, Borders and Boundaries*. *Progress in Human Geography*. No. 33. PP 174-189.
14. Mehtiyev, Elkhan (2004). *Perspective of security development in the south Caucasus*, Bmlv.gv.al/publication.
15. Moradian, Mohsen (1388) *Threat and Security (Definitions and Concepts)*, Tehran, Martyr Lieutenant General Sayad Shirazi Educational and Research Center.
16. Nabavi, S.A(2004). *An empirical validation of Cohens and Milers theories in relation to social classes and juveniledelinquency*, *Human development Quarterly*, No1.
17. Newman, David. (2006). *Boundaries; In a Companion to Political Geography*. In Agnew, J. (Ed), Katharyne Mitchell, Gerard Toal, 3rd Edition, Blackwell Publishing.
18. Nikfar, Jaseb; Active, Saidal (2014) *An approach to development and security in border areas*, Tehran, Publications of Naja Border Command Research Center.
19. Rabiei, Ali (2008) *National Security Studies (Introduction to National Security Theories in the Third World)*, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Publications.
20. Rácz, András (2020) *War in Nagorno Karabakh a Two-Track Strategy for the EU*, Publisher: Deutsche Gesellschaft für Auswärtige Politik e. V 12. No 30.
21. Rajabi, M. (2021) *Karabagh conflict and its threats to the border security of the Islamic Republic of Iran*, *Quarterly Journal of Border Sciences and Techniques*, 10(2), 1-151.
22. Rezaei, Gholamreza; Qitasi, Hassan Reza (2018) *Identifying Iran's Borders*, Tehran, Amin University of Police Sciences.
23. Safavi, Seydihi Rahim; Abdullah, Jalali Nasab (2015) *Security geography of the Iran-Afghanistan border (its security consequences on the Islamic Republic of Iran)*, Tehran, Martyr Lieutenant General Sayad Shirazi Educational and Research Center.
24. Sterki, Akbar (2021), *the security structure of the country (with emphasis on the intelligence role of Naja)*, Tehran, Amin University of Police Sciences Publications.
25. Tskitishvili. T. (2012) "Analysis of Nagorny karabakh conflict" *Journal of social science*, vol 1, No, 1, pp 51- 70

26. Waal, Thomas (2021) The Nagorny Karabakh Conflict in its Fourth Decade, CEPS Working Document, September, No. 2021-02.
27. Rahman Najafi Sayyar, Hamed Ebrahimi (2022). Consequences of the 2020 Nagorno-Karabakh Crisis Agreement on Security and National Interests of the Islamic Republic of Iran, Foreign Relation Quarterly, No3.
28. Noorali, H., & Ahmadi, A. (2022). Analysis of Iran's Geopolitical Role in International Corridors. *Human Geography Research*, 54(3), 1161-1187. doi: 10.22059/jhgr.2022.331764.1008388.
29. Lin, W., (2018). Transport geography and geopolitics: Visions, rules and militarism in China's Belt and Road Initiative and beyond. *Journal of Transport Geography*.81, 102436.

